

## حکمرانی مشارکتی در اندیشه و رفتار شهید سپهبد قاسم سلیمانی

شهلا سهرابی<sup>۱</sup>، غلامرضا سلیمی<sup>۲</sup>، مهدی غضنفری<sup>۳</sup>

### چکیده

موفقیت سازمان‌های امروزی به میزان زیادی بستگی به سرمایه‌های مدیریتی آنان دارد و این امری است پذیرفته شده و غیر قابل انکار. محیطی که مدیران امروزه با آن مواجهند بسیار پویا و پیچیده است و همکاری جمعی بیشتری را می‌طلبد. این گرد هم آوردن افراد گوناگون نیازمند مدیرانی است که شایستگی لازم را برای برانگیختن افراد با علایق متفاوت داشته باشند. هدف از انجام این پژوهش بررسی حکمرانی مشارکتی در اندیشه و رفتار شهید سپهبد قاسم سلیمانی است. موضوعی که اگر چه بیش از دو دهه از مطرح شدن آن توسط صاحب‌نظران نمی‌گذرد لیکن چهار دهه است که سردار بزرگ سپهبد قاسم سلیمانی آن را بکار گرفته و بصورت عملیاتی پیاده نموده است. حکمرانی مشارکتی یک اصطلاح چندگانه است که موضوعات مختلف اداری دولتی را شامل می‌شود. از جمله همکاری چندملیتی، منطقه گرایی، شبکه های خدمات عمومی، ساخت توافقی و تعامل عمومی. مشارکت تنها یک بعد از ابعاد مکتب مدیریت سردار شهید است. بررسی اسناد و مدارک موجود و مصاحبه های صوتی و تصویری با ایشان و هم‌زمانشان حاکی از این است که این بزرگ مرد دارای سبک و مکتب خاص خود که برگرفته از فرهنگ غنی اسلامی است بود. ایشان علم و عمل و ایمان را چنان به هم درآمیخته که منشاء تحولات گوناگون فردی و اجتماعی چه در زمان حیات و چه بعد از شهادت بوده و خواهد بود. تاثیری که نه تنها به مرور زمان از آن کاسته نخواهد شد بلکه سال ها نیاز به بررسی و تحقیق دارد تا عمق آن شناخته شود.

واژگان کلیدی: حکمرانی، حکمرانی مشارکتی، سپهبد قاسم سلیمانی

### مقدمه

حکمرانی<sup>۴</sup> شامل فرآیندها و نهادهایی می‌شود که در تصمیم‌گیری عمومی مشارکت دارند. زمانی که فرآیندها و نهادهای مذکور در حوزه عمومی فعالیت کنند، در مورد آنان حکمرانی عمومی<sup>۵</sup> به کار برده می‌شود. به طور کلی سه طبقه‌بندی کلی در مورد حکمرانی عمومی مطرح است: بخش مدنی<sup>۶</sup>، بخش سیاسی<sup>۷</sup> و بخش توسعه. حکمرانی مدنی و سیاسی به مسائلی که با حقوق انسانی ارتباط دارند، می‌پردازد. حکمرانی توسعه‌ای<sup>۸</sup> اصولاً مربوط به برنامه‌ریزی، بودجه بندی، نظارت و پاسخگویی سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه اجتماعی اقتصادی است. حکمرانی مشارکتی<sup>۹</sup> یکی از استراتژی‌های نهادی متعدد در حوزه توسعه‌ای به شمار می‌رود و مشارکت (تعلق خاطر) شهروندی<sup>۱۰</sup> نتیجه مطلوب یا مقصد منطقی حکمرانی مشارکتی است (انجمن مدیریت دولتی آمریکا، ۲۰۰۷، ص ۵).

یکی از مهمترین و موثرترین عوامل برقراری وفاق، اقتدار و ارتقاء ضریب امنیت ملی، مشارکت در صحنه‌های گوناگون ملی است. مشارکت در واقع، تجلی مشروعیت حاکمیت و ضامن تامین ثبات است زیرا مشارکت مردمی می‌تواند به مثابه موثرترین و مناسب‌ترین پشتوانه برای حل و فصل معضلات و بحران‌های سیاسی-اجتماعی و امنیتی مورد استفاده قرار گیرد. هر دولتی

گروه مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب، تهران، ایران<sup>۱</sup>

گروه مدیریت، دانشگاه دفاع ملی، تهران، ایران<sup>۲</sup>

گروه مدیریت، دانشگاه دفاع ملی، تهران، ایران<sup>۳</sup>

<sup>۴</sup> governance

<sup>۵</sup> public governance

<sup>۶</sup> Civic

<sup>۷</sup> political

<sup>۸</sup> Development governance

<sup>۹</sup> Participatory governance

<sup>۱۰</sup> Citizen engagement

که بتواند جلوه‌های بیشتری از همکاری و همدلی توده‌های مردمی را در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و به خصوص در دفاع از کشور و حکومت در مقابل تهدیدات داخلی و خارجی جلب نماید، در جامعه بین‌المللی از اعتبار، شخصیت و موقعیت رفیع‌تری برخوردار می‌گردد (مرادی، ۱۳۹۶، ص ۳).

حکمرانی مشارکتی تضمین میکند که مردم، خواو به صورت فردی و یا در قالب گروه‌ها، حول هدفی مشترک جمع شوند و آشکارا از منافع موردنظر خود در سرا سر چرخه سیاست عمومی، از برنامه‌ریزی مردمی گرفته تا ارزیابی نهایی حمایت کردو و آن را دنبال کنند.

حق مشارکت در فرآیند تصمیم‌گیری اجتماعی توسط جامعه جهانی به عنوان یک حق انسانی پذیرفته شده است. به علاوه مشارکت یک ارزش ابزاری نیز به همراه دارد زیرا در دستیابی به سایر اهداف اصلی کمک‌کننده است. به طور معمول، مشارکت به عمیق‌تر شدن دموکراسی، قوی‌تر شدن سرمایه اجتماعی، بهبود بهره‌وری و رشد پایدار کمک می‌کند و طرح‌های حامی فقرا و عدالت و برابری اجتماعی را ترویج می‌دهد (انجمن مدیریت دولتی آمریکا<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۷، ص ۵).

مشارکت اثربخش، مشارکتی است که به تضمین کارایی و رشد اقتصادی از یک سو و برابری و عدالت اجتماعی از سوی دیگر کمک می‌کند و البته تلاش برای دستیابی به مشارکت اثربخش همواره کارا نخواهد بود و نیاز است که شرایط و موقعیت‌هایی که سبب مشارکت اثر بخش می‌شود، مشخص شود (انجمن مدیریت دولتی آمریکا، ۲۰۰۷، ص ۶).

بطور کلی، حکمرانی مشارکتی یک اصطلاح چندگانه است که موضوعات مختلف اداری دولتی را شامل می‌شود. از جمله همکاری چندملیتی و میانجی‌گری، منطقه‌گرایی، مشارکت بخش مقطعی، شبکه‌های خدمات عمومی، ساخت توافقی و تعامل عمومی. ماهیت حکمرانی مشارکتی سطح جدیدی از تعهدات اجتماعی سیاسی در میان افراد و سازمان‌های مختلف با درجه استقلال متفاوت است که لزوماً راه موثرتری برای رسیدگی به نیازهای جامعه‌ی مدرن ایجاد می‌کند و اهداف مشترک را فراتر از چیزی می‌بیند که تاکنون توانسته است خود به آن دست یابد. در مفهوم دقیق‌تر، حکمرانی مشارکتی معمولاً برای توصیف نحوه شراکت سازمان‌های دولتی با ذی‌نفعان غیردولتی در فرآیند تصمیم‌گیری سیاست عمومی بکار می‌رود. به عنوان مثال، گالپر<sup>۱۲</sup> (۲۰۰۳) حکمرانی مشارکتی را به عنوان تعاملی معمولی میان مدعیان دولتی و غیردولتی در حوزه سیاست بدون انحصار توسط مدعیان دولتی تعریف می‌کند. آنسل و گاش<sup>۱۳</sup> (۲۰۰۸) حکمرانی مشارکتی را به عنوان یک نظم حاکم تعریف می‌کند در جایی که سازمان دولتی بطور مستقیم با ذی‌نفعان غیردولتی در یک فرآیند تصمیم‌گیری جمعی تهدد می‌کند که رسمی، توافقی برانگیز و شورایی است و هدف آن ایجاد و پیاده‌سازی سیاست عمومی یا برنامه‌های مدیریت عمومی یا دارایی‌هاست. نیاز به اقدام مشارکت زمانی افزایش می‌یابد که افراد و سازمان‌ها، خود قادر به انجام بعضی امور نیستند. در حکومت اجتماعی معاصر، این موضوع بطور فزاینده‌ای برای دولت به منظور حل مسائل پیچیده بطور مستقل، به دلیل محدودیت‌های مالی، رقابت، نیروی کارگری و غیره مشکل است. بنابراین دولت ممکن است انگیزه‌ای برای مشارکت با سازمان‌های داوطلبانه و خصوصی بگیرد. در برخی خدمات عمومی، در رابطه با انعطاف‌پذیری سازمانی، شور و اشتیاق کار، پاسخ‌های به موقع به تقاضای یک جامعه و راه حل‌های خلاقانه برتر هستند. برای شرکت‌کنندگانی مانند سازمان‌های غیردولتی و دیگر اجتماعات محلی، انگیزه آنان برای پیوستن به مشارکت ممکن است در موقعیت و ساختار سازمانی، اهداف مشترک یا منشعب یا فرصت‌هایی برای رسیدن به منابع و مهمتر از همه حمایت مالی از دولت وجود داشته باشد. درحالی که فریمن<sup>۱۴</sup> (۱۹۹۷) استدلال کرد که فرآیندهای کار ممکن است قانون را بوسیله‌ی کاهش پاسخگویی و خنثی کردن اختلال مشارکتی از طریق تحمیل نظر نمایندگی تحلیل دهند، ذی‌نفعان مختلف تمایل به تاثیر مثبت دارند و توجه به اطلاعات مفید از طریق درک متقابل افزایش یابد و سوابق و مهارت‌ها تغییر کنند. کلیدهای حکمرانی مشارکتی شامل ابتکار مشارکتی، فرهنگ مشارکتی، چشم‌انداز جامعه، اعتماد، ساختار قانون توافقی و ساختارهای شبکه‌ی مشارکتی می‌شود؛ در حالی که چالش‌های اصلی ممکن است شامل پلورالیسم (کثرت‌گرایی)، اعتماد به لزوم عملیات حاد و شدید، شیوه‌نهادی و هزینه‌های

<sup>11</sup> Committee of Experts on Public Administration

Gulpepper<sup>۱۲</sup>

Ansell & Gash<sup>۱۳</sup>

Freeman<sup>۱۴</sup>

جامعه باشد. برای شروع یک مشارکت، یک رهبری برای آغاز بی طرفی و ایجاد یک محکمه برای دینفعان دولتی و غیردولتی ملزم می باشد. در مرحله در حال توسعه، رهبری به تقویت کوشش همه بخش ها کمک می کند. علاوه بر این، آیا رهبری گروه های مشارکتی قادر به مدیریت رفتار مناسبی برای محیط سیاسی که مهم است، می باشد. زیرا تحقق اهداف مشارکت بستگی به عملکرد و سازگاری در زمینه متناظر دارد. در حکمرانی مشارکتی، بوروکرات ها معمولاً قدرت حمایت یا مشارکت کامل را از طریق رهبری مانند کنترل زیاد اطلاعات آنان، روابط بین فردی و تخصیص منابع را دارند (لی و زو<sup>۱۵</sup>، ۲۰۱۸، ۳۰-۲۹).

مفهوم حکمرانی مشارکتی تاکید دارد که محدودیت های قدرت و نفوذ دولت وجود دارد. فرماندهی سلسله مراتبی که توسط یکی از رهبران دولتی، و رویکرد کارشناس متمرکز توصیف شده است برای سیاست گذاری یا حل مشکلات کافی نیست. به این ترتیب، چشم انداز چنین حکمرانی استدلال می کند که دولت نیاز به درگیر کردن دینفعان دولتی شامل عموم مردم به بخش کسب و کار جامعه مدنی به منظور ارتقای ظرفیت های حاکم بر دستیابی به اهداف اجتماعی و حل مشکلات دارد. به طور کلی، دولت ها انگیزه بیشتری برای پذیرش رویکردهای مشارکتی به عنوان مسیرهای مهم به منظور پاسخگویی به تقاضاها برای دموکراسی معرف، شفافیت و پاسخگویی بیشتر و بازگرداندن اعتماد عمومی و افزایش مشروعیت سیاسی دارد. مشارکت عمومی نیز به عنوان وسیله ای به منظور بهبود کیفیت سیاست از طریق تهیه اطلاعات جمعی برای حل مشکلات مشاهده شده است. ادبیات نیز محرک های هنجاری و مکانیسم های حمایتی جهت مشارکت را روشن می سازد که شامل به هنگام بودن، افشای اطلاعات، فرآیندهای بازخورد، توانمندسازی عمومی، جامعیت، پاسخگویی، مشورت و جوابگویی می شود. یکی دیگر از مضامین ادبیات تغییرات در اشکال مشارکتی ذکر شده در بالا را توضیح می دهد. اشکال مشارکتی می تواند به طور قابل ملاحظه ای در اصطلاحات این که چه کسی درگیر است، چه موقع و اغلب در این فرآیند، و چه کسی در نتایج نهایی نفوذ دارد، تغییر می کند. مفهوم نردبان مشارکت شهروند بصورت مشروط مشارکت را به ۸ پله تفکیک می کند: از دستورات پایین تر مشارکت که شامل تولید، درمان، اطلاع رسانی، مشاوره و آشتی و وفق تا دستور بالاتر که شامل شراکت، قدرت محول شده و کنترل شهری می شود. تحقیق فیورینو<sup>۱۶</sup> (۱۹۹۰) توجه به تمایزات مفهومی را بین عقلانیت ابزاری، حقیقی و هنجاری جهت مشارکت نشان می دهد. از دیدگاه ابزار، مشارکت به عنوان وسیله ای برای ارتقای مشروعیت سیاست، آموزش مردم و تقویت اعتماد به نهادها درک می شود. عقلانیت حقیقی بر روی بهبود استحکام و کیفیت انتخاب های سیاست تمرکز دارد. مزایای بالقوه از طریق یک فرآیند یادگیری اجتماعی، یکپارچگی دانش اجتماعی متنوع، ارزش ها و به منظور اطلاع رسانی بهتر انتخاب های اجتماعی حاصل می شود. عقلانیت هنجاری در مشارکت بر تعهد به منظور توانمندسازی شهروندان متکی است. از دیدگاه هنجاری، دخالت محدود و محدودیت ها، ساختارهای تحمیل کننده و منافع نهادی منحصر به فرد، برخی از مشکلات عمده ای هستند که می تواند در شیوه های سنتی و سلسله مراتبی مشارکت به وجود آید (نگرین ماه و هیلز<sup>۱۷</sup>، ۲۰۱۴، ۳۴۲-۳۴۱).

حکمرانی مشارکتی اغلب به عنوان یک استراتژی به منظور رسیدگی ظاهری به مشکلات منبع اشتراکی عمومی<sup>۱۸</sup> بکار میرود. این انواع مشکلات در شرایطی وجود دارند که جمعیت گسترده بتواند تأثیرات مثبت و منفی بگذارد و منافع از آن حاصل شود (به عنوان مثال، سیستم آب آشامیدنی، سیستم آبیاری). در بسیاری از زمینه های منبع اشتراکی عمومی معاصر منابع متغیرند، شروط زیاد هستند و مدعیان با عقاید دیگران با دقت بحث کرده اند و بازنگری مجدد، ارزش ها و اهداف مورد نیاز است. حکمرانی مشارکتی به طور فزاینده ای در چنین شرایطی بکار رفته است. تصمیماتی که با استفاده از فرآیندهای مشارکتی انجام می شود، اغلب باید در زمینه های سیاسی- اجتماعی پیاده سازی شود که از عرصه های منبع اشتراکی عمومی فعالیت-متمرکز فراتر می روند. این موضوع به خصوص درست زمانیست که مشارکت با مشکلاتی مواجه است که در عرصه های فعالیت های منافع متمرکز قرار دارند. به ویژه، مشارکت در زمینه های نئولیبرالی که توسط ناهماهنگی های قدرت

Lei Liu, Zhihang Xu<sup>۱۵</sup>

Fiorino<sup>۱۶</sup>

<sup>۱۷</sup> Daphne Ngar-yin Mah, Peter Hills

<sup>۱۸</sup> CPR(common pool resource)

بزرگ مشخص می شود مانند جایی که در آن منافع صنعت انرژی عمده مورد بهره برداری قرار می گیرد، اساساً توسط تصمیمات، ایده ها و نیروهای محرکه تعریف می شوند که فراتر از عرصه ی فعالیت مشارکت عمل می کند. حکمرانی مشارکتی به وسیله تلفیق دانش و منابع در میان مجموعه گسترده ای مشمول مدافعان با منفعتی که با مشکل سروکار دارند، مشخص می شود. (به عنوان مثال، گروه های شهروندان، سیاست گذاران، منابع طبیعی یا سایر منابع، گروه های بومی). چنان چه فرآیندهای حکمرانی هدفش تصمیم گیری یا اقدام به منظور رسیدگی به یک مشکل خاص باشد، حکمرانی مشارکتی اغلب روی سیاست های رسمی و غیررسمی صنعت تمرکز دارد. فعالیت های حکمرانی می تواند با مشارکت دولت و یا بدون آن شروع یا اجرا شود. با این حال، بخش قابل توجهی از فرآیندهای مشارکت توسط دولت به منظور فراهم سازی ورودی ها به فرآیندهای سیاست رسمی و خروجی ها آغاز یا فراخوان شده است (بریس بویس و همکاران<sup>۱۹</sup>، ۲۰۱۸).

### عناصر کلیدی حکمرانی مشارکتی

سه عنصر کلیدی در حکمرانی مشارکتی وجود دارد (جابری، ۱۳۸۵، ص ۷):

الف-شفافیت، ب-مشارکت ج-پاسخگویی.

#### الف-شفافیت

شفافیت تضمین می کند که همواره اطلاعات فراوانی درباره حکومت شهری وجود داشته و به سادگی در دسترس مردم باشد. اطلاعاتی که فراهم می شود باید قابل فهم و به روز باشد تا افراد علاقه مند یا گروه های مدنی را نسبت به مسئله موردنظرشان آگاه نماید. در اصل شفافیت در کار حکومت شهری پیش نیازی برای حکمرانی مشارکتی است (جابری، ۱۳۸۵، ص ۷). لینستد و نارین در توضیح مفهوم شفافیت چنین می گویند: شفافیت بر قابلیت دسترسی به اطلاعات دلالت دارد، از لحاظ لغوی، شفافیت به معنای "امکان نگاه کردن به درون یک چیز است" به منظور فهمیدن آنچه در آن میگذرد (لینستد و نارین، ۲۰۰۷). استراژن (۲۰۰۵)، معتقد است شفافیت موضوعی است که بواسطه انتظارات بازیگران اصلی سازمان از قبیل مدیریت ارشد، مشاوران، متخصصان و سایر ذی نفعان سازمان پدید می آید. از آنجاکه ماهیت و ذات شفافیت بستگی به نگرش و دیدگاه افراد در سازمان ها دارد، لذا باید شناخت کاملی از ذینفعان متعدّد خود، علایق و تمایلات آنها داشته باشند (نلسن و ممدسن، ۲۰۰۹). در تعریفی دیگر بیان نمودند، شفافیت به مجموعه ای از شیوه های سازمانی اشاره دارد که حاکمیت خوب و فرآیندهای دموکراتیک را ارتقاء می دهند (کریستین و چنی، ۲۰۱۵).

راولنیز برای اندازه گیری شفافیت در سازمان ها، چهار عامل را شناسایی کرد که عبارتند از (Rawlings, 2008):

۱- **بعد اطلاعات:** عناصر مورد بررسی عبارت اند از مرتبط بودن، صحت داشتن، کامل بودن، معتبر بودن، مورد تایید بودن اطلاعات

۲- **بعد پاسخگویی:** عناصر مورد بررسی عبارت است از میزان پوشش اطلاعات تسهیم شده در برگیرنده همه جنبه ها و مسائل سازمانی

۳- **بعد مشارکت:** عناصر مورد بررسی عبارت از دریافت بازخور، عرضه اطلاعات تصیلی و جزء به جزء، سهولت در دستیابی به اطلاعات

۴- **بعد اختفا و پنهان کاری:** عناصر مورد بررسی عبارت اند از میزان تلاش سازمان برای مخفی نگه داشتن اطلاعات و میزان صداقت در سازمان.

#### ب-مشارکت

مشارکت در سطح محلی متضمن فرآیندهای مداوم و آزاد برای همکاری میان دولت و مردم در حوزه های برنامه ریزی و اجرای ماموریت ها و اجزای مختلف آن است (جابری، ۱۳۸۵، ص ۷).

#### ابعاد مشارکت

ابعاد مشارکت در تصمیم گیری (رهنورد، ۱۳۸۰):

<sup>19</sup> Marie Claire Brisbois, Michelle Morris, Rob de Loë

۱- **درجه مشارکت:** عبارت است از میزان نفوذ و کنترلی که کارکنان در تصمیم گیری سازمان اعمال می کنند، بطور کلی درجه مشارکت را می توان در سه طبقه عمده ، عدم مشارکت ، مشارکت جزئی و مشارکت کامل تقسیم کرد.

۲- **قلمرو مشارکت:** عبارت است از دامنه مسائلی که کارکنان حق دارند در آن موضوعات به اظهارنظر بپردازند. آیا کارکنان فقط در تصمیمات تاکتیکی حق اظهار نظر یا دامنه مشارکت آنها تصمیمات استراتژیک را نیز در بر می گیرد. تصمیمات استراتژیک به اهداف تغییر مربوط می شوند در حالیکه تصمیمات تاکتیکی به ابزار تغییر.

۳- **حدود مشارکت:** این بعد از مشارکت به دامنه افرادی که در یک سیستم مشارکت درگیر می شوند اشاره دارد که می توان شامل کل سازمان ، واحدهای خاص یا گروه های خاص باشد.

۴- **مبنای مشارکت:** یک بعد کلیدی مشارکت ، رسمی یا غیر رسمی بودن سیستم است. تصمیم گیری بر اساس مشارکت ممکن است بطور رسمی و از طریق رویه کار قانونی شکل بگیرد یا اینکه به طور غیر رسمی در روابط بین افراد نمود پیدا کند.

۵- **سطوح مشارکت:** ۱- استراتژیک ۲- هماهنگی ۳- در سطح مدیران میانی و سرپرستان عملیاتی

۶- **شکلهای مشارکت:** مشارکت در تصمیم گیری ممکن است از طریق درگیری مستقیم کارکنان یا از طریق غیرمستقیم و نمایندگان آنها مثل جلسات غیر رسمی، نظام پیشنهادها ، نظرسنجی و تشکلهای غیرمستقیم مثل شوراهای کار ، حضور نمایندگان کار در هیات مدیره و غیر صورت پذیرد.

### ج- پاسخگویی

پاسخگویی «تعهدی است از سوی دولت برای احترام قائل شدن به کسانی که تحت تاثیر تصمیمات، برنامه ها و مداخلات آن قرار گرفته اند در چارچوب سازوکارهای مسئولیت پذیری و قابلیت اجرا».

پاسخگویی یکی از ضرورت های کلیدی مدیریت دولتی در شرایط کنونی است و بهترین الگوهای حکمرانی مردم سالار مادامی که نتوانند کسانی را که قدرت را در اختیار دارند، در برابر شهروندان پاسخگو نمایند کاملاً ناکارآمد و آسیب پذیر تلقی می گردند . در حقیقت پاسخگویی یکی از ارکان اصلی مدیریت دولتی است که تصویری از عدالت، برابری، اعتماد و انصاف را به ذهن متبادر می سازد و می تواند برای بهبود شرایط و اثربخشی مدیریت دولتی مورد استفاده قرار گیرد (بوونز، 2005، )

### کارکردهای پاسخگویی

کارکردهای پاسخگویی (واعظی وآزمندیان، ۱۳۹۰):

- ۱- پاسخگویی به عنوان یک ابزار کنترل
- ۲- پاسخگویی به عنوان تضمین استفاده صحیح از منابع
- ۳- پاسخگویی به عنوان ابزاری برای بهبود خدمات دولتی

سردار سپهبد شهید قاسم سلیمانی فرماندهی بود که خود همواره در کنار نیروهای تحت امر و جلوتر از آنان بود و چنان مودت و دوستی بین افراد بوجود آورده بود که لحظه ای دوری یکدیگر را تاب نمی آوردند این مطلب را می توان در زندگینامه و فیلم های گرفته شده توسط هم زمانش به خوبی دید. آنان به فرمانده خود اعتماد کامل داشتند چه اینکه تفاوتی میان حرف و عمل وی نمی دیدند. دستورات او را به جان می خریدند و با میل و رغبت تمام انجام می دادند. این از ویژگی های مدیری است که رهبر گروه خود نیز هست. فرماندهی که نه تنها فرمانده بلکه رهبر و مدیر مجموعه نیز بود. این اعتماد موجب شده بود تا گروه های مختلف جهادی با تنوع فرهنگی را گرد هم آورده و با برقراری ارتباط سازنده در بین آنها و به اشتراک گذاری دانش های گوناگون بهترین روش ها را برای حل خلاقانه مسئله انتخاب نماید. روش ها و تاکتیک هایی که همواره مورد غافلگیر شدن دشمن تا دندان مسلح می شد. گروهی اندک در مقابل جمعی بزرگ که مورد حمایت ابرقدرت ها و دشمنان اسلام و مسلمین بودند.

سردار شهید درک مشترک و هم گفتگوهای رو در رو را به خوبی در بین افراد بوجود آورده بود. در بحبوحه های جنگ که نیروها در شرایط سخت قرار می گرفتند با حضور در خط مقدم و کنترل و هدایت عملیات همچون پدری دلسوز و فرماندهی با وقار و مهربان به گفتگو با آنان می پرداخت و با نشان دادن نتایج مطلوب آینده و رسیدن به اهداف متعالی روحیه مضاعفی به آنان می بخشید و آنان را در ادامه راه هدایت می نمود.

سردار شهید قاسم سلیمانی صفت فرماندهی و صلابت یک فرمانده، اقتدار یک مدیر و هدایت گری و راهنمایی یک رهبر را به همراه داشت. مدیریت تنوع و گوناگونی خود از عوامل مهم در حکمرانی مشارکتی است که سردار شهید سپهبد قاسم سلیمانی آن را به خوبی در هدایت و راهبری گروههای مختلف در عملیات متفاوت به نمایش گذاشته است. ایشان در برخورد با دیگران به گونه ای عمل می کرد که گویی فردی عادی است. با سربازان در نهایت احترام برخورد می کرد. کودکان را می بوسید و جوانان را بدون نگرانی از مسائل امنیتی در آغوش می گرفت. صحنه زیبای صحنه گرفتن چند برگ گل در هنگام نماز جماعت توسط سردار سرافراز حاج قاسم سلیمانی از دست یک فرزند شهید بارها و بارها ارزش دیدن دارد. لطافت و عطوفتی در خور تحسین و بدور از ریا. شاید هرگز فکرش را هم نمی کرد این صحنه زیبا اینگونه ضبط شود چه او خود را همواره در معرض دوربین خداوند منان می دید.

او برای پیوستن به دوستان شهیدش لحظه شماری می کرد. مصداق بارز این شعرمولوی :

مرگ اگر مرد است گو نزد من آی تا در آغوش بگیرم تنگ تنگ

من از او جانی ستانم جاودان او زمن دلقی ستاند رنگ رنگ

دوستان را دوست می داشت و دشمنان را دشمن و به تمام معنا تفسیر آیه ۲۹ سوره فتح بود " أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ " یعنی در مقابل دشمنان شدید و سخت بود و در بین دوستان مهربان و با رحمت.

شهید سلیمانی بسیار اهل مطالعه بود و در مسیر مأموریت ها و با وجود خستگی بخش زیادی از مطالعه خود را انجام می داد. هم رزم شهید سلیمانی بیان می کند: آن شهید در اوج اقتدار و صلابت در جبهه نبرد و جنگ، در اوج رحمت تواضع، عطوفت و مهربانی با مومنین، دوستان و اهل خانه بود و این ها از الطاف مکتب اهل بیت (ع) است. این ویژگی های و حسن خلق سردار موجب شده جلب اعتماد و تمایل دل ها به سمت وی شده بود. شاهد این موضوع تشیع میلیونی مردم اعم از پیر و جوان، زن و مرد، دوست و دشمن و ... در بدرقه سردار بود.

ویژه نامه سالانه نشریه آمریکایی فارن پالیسی به معرفی ۱۰۰ اندیشمند برتر دنیا پرداخت و قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در جمع ۱۰ متفکر برتر حوزه دفاعی امنیتی قرار داد. این نشریه درباره قاسم سلیمانی اینطور نوشته است: او چهره ای است که علناً به تهدیدهای «دونالد ترامپ»، رئیس جمهور آمریکا پاسخ داده است.

سردار سلیمانی دست پرورده چنین مکتبی بود و در طی سال ها مبارزه و دفاع با شهامت و غیرت مروت و خویشتن داری و... در صحنه های مختلف خوش درخشیده بود. بطوریکه دوست و دشمن در دل او را تحسین می کردند. مک کریستال در مصاحبه با «هیو هویت» مجری شبکه رادیویی «سیلم» در آمریکا که با موضوع کتاب جدید وی با نام «رهبران جهانی: افسانه و واقعیت» برگزار شد، نظر او را درباره سردار سلیمانی اینگونه پرسید: «وقتی به قاسم سلیمانی نگاه می کنید، کسی که بزرگترین رقیب شما و فرمانده عملیات ایرانی ها بود، آیا به عقیده شما او از نظر نظامی و کاریزماتیک با دیگر سران و رهبران جهانی برابری می کند؟» این ژنرال آمریکایی پاسخ داد: «بله. از چیزهایی که مشاهده کردم می توانم بگویم، او بهترین کسی است که آنها دارند. ما زمانی که برای مقابله با ایرانی ها تلاش می کردیم، او (سلیمانی) را مورد بررسی قرار دادیم. او را زیر نظر گرفتیم، او وقتی در میدان جنگ است، بسیار کاریزماتیک است و در محیط های مختلفی عملیات داشته که هیچ ژنرال آمریکایی با هر میزان آزادی عملی، نداشته است. قدرت سیاسی که قاسم سلیمانی دارد به او اجازه می دهد که کارهای بسیاری انجام دهد. ولی او کارهایش را با آرامش و اثربخشی فوق العاده انجام می دهد».

## نتیجه گیری

در این مقاله ابتدا به تشریح مفهوم حکمرانی مشارکتی به عنوان یک مدل جدید از حکمرانی پرداخته شد. گرچه این موضوع موضوع جدیدی است که طی دو دهه گذشته ظهور پیدا کرده ولی می توان آن را در سیر اندیشه ها و رفتار سردار سپهبد شهید قاسم سلیمانی بوضوح دید. نیاز به اقدام مشارکت زمانی افزایش می یابد که افراد و سازمان ها، خود قادر به انجام بعضی امور نیستند. در حکومت اجتماعی معاصر، این موضوع بطور فزاینده ای برای دولت به منظور حل مسائل پیچیده بطور مستقل،

به دلیل محدودیت های مالی، رقابت، نیروی کارگری و غیره مشکل است. حکمرانی مشارکتی<sup>۲۰</sup> یکی از استراتژی های نهادی متعدد در حوزه توسعه ای به شمار می رود و مشارکت (تعلق خاطر) شهروندی<sup>۲۱</sup> نتیجه مطلوب یا مقصد منطقی حکمرانی مشارکتی است. در خاتمه می توان گفت شهید سپهبد سلیمانی که تعلیم دیده مکتب اسلام و امام (ره) است مصداق آیه ۲۳ سوره احزاب است که می فرماید: "در میان مؤمنان مردانی هستند که بر سر عهده ای که با خدا بستند صادقانه ایستاده اند؛ بعضی پیمان خود را به آخر بردند و در راه او شربت شهادت نوشیدند، و بعضی دیگر در انتظارند؛ و هرگز تغییر و تبدیلی در عهد و پیمان خود ندادند" (سوره احزاب آیه ۲۳). شاید بهترین کلام را مقام معظم رهبری در وصف شهادت ایشان فرمود همانجا که فرمودند:

"و همه عمر خود را به جهاد در راه خدا گذرانید. شهادت پادشاه تلاش بی وقفه او در همه این سالیان بود، با رفتن او به حول و قوه الهی کار او و راه او متوقف و بسته نخواهد شد"

## منابع

- [۱]. قرآن کریم
- [۲]. جابری، علیرضا (۱۳۸۵). راهنمایی برای حکمرانی مشارکتی در شهر، دفتر مطالعات فرهنگی و اجتماعی شهرداری مشهد.
- [۳]. رضاییان، علی (۱۳۹۳). مبانی مدیریت رفتار سازمانی. تهران: انتشارات سمت.
- [۴]. رهنورد، فرج الله (۱۳۸۰)، مدیریت مشارکتی، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- [۵]. مرادی، علی (۱۳۹۶). مطالعه بررسی نقش مشارکت شهروندان در تامین احساس امنیت اجتماعی. فصلنامه پژوهش های انتظام اجتماعی، ۴ (۹): ۱۳۹-۱۶۶.
- [۶]. واعظی رضا، آرمندیان محمدصادق، مدل پاسخگویی سه بعدی: نگاهی متفاوت به پاسخگویی، پژوهش های مدیریت انتظامی (مطالعات مدیریت انتظامی)، بهار ۱۳۹۰، دوره ۶، شماره ۱، ۱۵۶-۱۳۱
- [7]. Ansell, Chris, and Alison Gash (2008), Collaborative Governance in Theory and Practice. Journal of Public Administration Research and Theory 18 (4): 543 – 71.
- [8]. Bovens, M. (2005). Public Accountability. In E. Ferlie, L. Lynne, & C. Pollitt (eds.). *The Oxford Handbook of Public Management* (pp. 182–208). Oxford: Oxford University
- [9]. Culpepper, P. D. (2004). Institutional rules, social capacity, and the stuff of politics: Experiments in collaborative governance in France and Italy.
- [10]. Fiorino, D. J. (1990). Citizen participation and environmental risk: A survey of institutional mechanisms. *Science, Technology, & Human Values*, 15(2), 226-243.
- [11]. Nielsen, C. & Madsen, M. T. (2009). Discourses of transparency in the intellectual capital reporting debate: Moving from generic reporting models to management defined information. *Critical Perspectives on Accounting*, 22(7), 847-854.
- [12]. Liu, L., & Xu, Z. (2018). Collaborative governance: A potential approach to preventing violent demolition in China, *Cities* 79, 26\_36.
- [13]. Ansell, C., & Gash, A. (2018). Collaborative Governance in Theory and Practice, Published by Oxford University Press on behalf of the Journal of Public Administration Research, 543\_571. doi:10.1093/jopart/mum032.
- [14]. Ngar-yin Mah, D., & Hills, P. (2014). Participatory governance for energy policy-making: A case study of the UK nuclear consultation in 2007, *Energy Policy*, 74, 340–351.
- [15]. Brisbois, M., Morris, M., & Loe, R. (2018). Augmenting the IAD framework to reveal power in collaborative governance –An illustrative application to resource industry dominated processes, *World Development* (2018), [https://doi.org/10.1016/j.worlddev.1\\_10](https://doi.org/10.1016/j.worlddev.1_10).
- [16]. Rawlins Brad, L. (2008). Measuring the relationship between organizational transparency and employee trust. *Public Relations Journal*, 2(2), 254-274.

<sup>20</sup> Participatory governance

<sup>21</sup> Citizen engagement